



**یادداشت**

**نگاهی به برنامه دوم**

**نیازها و امکانات**

قسمت دوم

## **برنامه دوم ما را به کجا خواهد برد؟**

عمرانی کشور را برشمردیم . در این قسمت - باز هم عمدتاً " با استناد به همان گزارش به تشریح هدفهای برنامه دوم می پردازیم .

### **رشد آهسته تر ولی مطمئن تر**

سال بدست آمد که اگر سهم نفت را از برنامه حذف میکردیم باز هم رشدی معادل ۷/۵ درصد

در برنامه اول عمرانی کشور رشد ۸ درصد در

در شماره گذشته با استناد به گزارش رئیس جمهوری ، مهمترین دست آوردهای برنامه اول

در سال می‌داشتیم که رقمی در خور توجه است. ذکر این دو رقم بخودی خود کافی است تا به کسانی که درآمد و فعالیت اقتصادی کشور ما را صرفاً "ناشی از درآمد نفت میدانند جوابی قاطع بدهد. علت این قضاوت که اغلب درباره اهمیت نفت میشود اینست که بعضاً "درآمد ارزی نفت را با رشد اقتصادی کشور عوضی میگیرند. در حالیکه مسائل ارزی در حادی معین و مشخص در تولید ناخالص ملی نقش دارد البته انگار نمی‌کنیم که این نقش در حال حاضر بیش از آنست که میباید باشد، معذاهمه، تولید ناخالص داخلی، ناشی از نفت نیست. مثلاً "بخش کشاورزی، که هنوز هم بزرگترین بخش اقتصادی ما را تشکیل میدهد و بالاترین سهم اشتغال را بخود اختصاص میدهد، قرن‌ها بدون وابستگی به خارج به کار و فعالیت ادامه داده و گاه تأمین کننده منابع ارزی قابل توجهی نیز بوده است.

هم‌اکنون هم نیمی از صادرات غیرنفتی ما را فقط چند قلم فرش دست‌باف و پسته و مغز پسته تشکیل میدهد که از منابع داخلی و با وابستگی ناچیزی به ارز خارجی به دست می‌آیند. در هر صورت رشد ۸ درصدی سالانه اقتصاد ما طی سالهای برنامه اول در شرائطی بدست آمد که کشوری مثل چین از رشد ۱۲/۵ تا ۱۵ درصد (براساس محاسبات گوناگون) برخوردار بود و جهان در حال توسعه سالانه تقریباً ۵ درصد رشد داشت و بلعکس دنیای صنعتی بارش بسیار اندک و گاه با رشد منفی روبرو بود. با اینهمه برهیچکدام از ما پوشیده نیست که رشد ۸ درصد از یکطرف به قیمت تورم بسیار بالا که گاه به ۳۰ درصد میرسد بدست آمد و از سوی دیگر شتاب در میزان رشد گاه ما را در تنگناهایی قرار داد که از آنجمله تنگنای ارزی را میتوان بارزترین وجه مشخصه آن دانست و افزایش سالانه ۲۲ درصد بر میزان نقدینگی کشور نیز از مظاهر بارز دیگر آن بود. حالا در نظر گرفته شده است برنامه دوم با هدف رشد آهسته تر ولی مطمئن تر تنظیم شود. قرار شده است در فرضی که درآمد نفت

در وضع کنونی باشد، رشد اقتصادی کشور سالانه با هدف ۵/۴ درصد دنبال شود و اگر درآمد نفت بهبود یابد هدف رشد سالانه در ۵/۹ درصد استوار شود. چنین هدفی ما را بطور مطمئن تر به پیشرفت میرساند و از اقدامات مسابقه گونه، که نتیجه‌ای جز تخریب منابع ملی ندارد یا باعث عدم بهره‌برداری منطقی از این منابع میشود، دور نگاه میدارد. بدیهی است این رقم مربوط به رشد کلی جامعه است و ممکن است رشته‌های مختلفی ایجاب کند که در آنها به رشد بسیار بالاتر یا رشد کمتری دست یابیم.

آنچنانکه رئیس جمهوری در جهت گیریهای کلی برنامه دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به مجلس گزارش داد: در برنامه دوم پیگیری چهار هدف کلی مورد توجه واقع شده است.

- تأمین رشد و توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی

- نیل به عدالت اجتماعی  
- تأمین رشد پایدار در امور فرهنگی و زیربنایی  
- و بالاخره اصلاح نظام مالیاتی

## ریاضت - رشد - عدالت - رفاه

بطور کلی در اجرای برنامه دوم، بیش از برنامه اول مردم به ریاضت اقتصادی و خودگذشتگی و فداکاری برای اجرای برنامه دعوت شده‌اند. علت هم روشن است. منابع ارزی دولت بسیار محدود و شکننده بنظر میرسد و ایجاد رشد برای بقای کشور و رفاه نسلهای آینده ضروری است. براساس آنچه آقای روغنی رنجاشی رئیس سازمان برنامه و بودجه در روز قبل از تسلیم

بودجه به مجلس اظهار داشت در هزینه‌های عمرانی در بودجه سال ۷۳ (که اولین سال از برنامه پنجساله دوم میباشد) ۳۰ درصد رشد دارد که قرار است ۳ هزار میلیارد ریال آن از محل افزایش خدمات عمومی مانند هزینه‌های آب، برق، تلفن، گاز و نظائر آن تأمین شود.

به این ترتیب مردم به ریاضت اقتصادی دعوت شده‌اند و باین ترتیب درجه رشد بر درجه فداکاری ملی برای قبول سختی‌های موقت استوار شده، ضمناً ۳۵۰۰ میلیارد ریال - نیز در سال آینده از طریق تبدیل نرخ ارزهای دولتی به شناور تأمین خواهد شد که ظاهراً "بمعنی حذف قسمت بیشتری نرخهای ارز است و دولتی - پاسوسید است که این نیز نوعی فداکاری ملی برای تأمین رشد اقتصادی کشور تلقی میشود. آقای روغنی زنجانی افزایش هزینه‌های آب - برق - گاز سخت پست و فرآورده‌های نفتی را به عنوان کمک مردم به دولت برای سرمایه‌گذاری در امور مذکور، ذکر کرد. در عین حال پیش‌بینی شده است که ۳۰۰۰ میلیارد ریال برای مناطق محروم هزینه شود.

اینکه مردم باید هزینه رشد و توسعه اقتصادی کشور را تحمل کنند جای حرف نیست، خاصه در شرائطی که درآمد نفت دیگر رقم قابل ملاحظه‌ای را تشکیل نمیدهد و از سوی دیگر دولت در شرائطی نیست که بتواند قرض خارجی بگیرد. ناچار باید به منابع ملی تکیه کند.

اما تقاضای کمک ملی برای اجرای برنامه‌ها نیز باید در حادی باشد که جامعه بتواند آنرا تحمل کند. طبعاً "در شرائط فعلی جای این سؤال باقی است که آیا افزایشهای اعلام شده در کالاهای اساسی مانند بنزین - گاز طبیعی - برق و نظائر آن که اثرات سربستی شدید دارند و با توجه به نیروی بیکار کشور و نیروی جوان که سرعت وارد بازار کار میشوند، متناسب با قدرت کنش جامعه میباشد؟ مفهوم این نکته اینست که فداکاری ملی اگر سبب توسعه فعالیتهای جامعه و افزایش رشد و باروری آن گردد، مطلوب است، در غیر این صورت نقض غرض خواهد بود.

کم‌درآمد جامعه خواهد کرد". در مورد این آخرین جمله باید بگوئیم اگرچه منکر آن نیستیم کسه دولت تلاش کرده است به سود طبقات فقیر و مستضعف جامعه قدم بردارد، اما اینکه در این سالها بر تعداد افراد زیر خط فقر افزوده شده است پايه و اينکه آيا فاصله بين افراد فقير و کسانیکه تازه به دوران رسیده تلقی میشوند بیشتر شده است یا نه جای سؤال وجود دارد و برای آنکه منفی‌باقی نکرده باشیم تذکرید هم که در برنامه دوم دولت میباید مکانیسمهای کنترل شده قانونی برگزیند که نهایتاً "به رشد و پیدایش طبقه متوسط در جامعه کمک کند. ماهه یک جامعه پر عرقده و جامعه‌ایکه در آن از اغنیا درخواست شود یک شاهی و صنار به مردم فقیر اغانه بدهند نیاز نداریم. جامعه ما به کسار احتیاج دارد. کار شرف و شخصیت و حق قانونی و طبیعی هر شهروند ایرانی است باید برای همه مردم کار تهیه کنیم و دستمزد عادلانه به آنها پرداخت کنیم و باین ترتیب نسل متوسط سالم و سازنده را تقویت کنیم. اولویتهای تعیین شده برای برنامه باید در سرخط همه اقدامات اجرائی خود به این نکته انسانی - خدائشی توجه کنند. اینکه ما شعار کمک به مستضعفین را بدهیم یا حتی به آنها کمک کنیم کافی نیست ما باید استضعاف را ریشه کن کنیم و هدفمان روی کار آوردن طبقه متوسط با درجه رفاه قابل قبول باشد و توسعه سطح اشتغال در این راه بالاترین کمک را مینماید. البته سیاست اشتغال هم باید بر اساس بالا بردن هر چه بیشتر راندمان کار و ارزش افزوده باشد. در عین حال اقتصادی کردن تولید و اشتغال امری ناگزیر است. اگر از بالا بردن سطح اشتغال سخن میگوئیم منظورمان این نیست که کارخانه‌ایکه میباید ۴۰ نفر کارگر داشته باشد با ۴۰۰ نفر کارگر اداره شود. برعکس آن کارخانه باید همان ۲۰ نفر کارگر را داشته باشد و ۱۸۰ نفر دیگر، در واحدهای تولیدی سودآور دیگر بکار مشغول شوند.

کمک به مناطق محروم چه در برنامه اول وجه

در هر صورت اگر قرار است برنامه بر اساس واقعیات استوار باشد و نه فقط درجه رشد تعیین شده همه عوامل در آن باید هماهنگ باشد از جمله افزایش بار پرداخت مالیات و عوارض و یا حذف کمکهایی که مردم سنتا "دریافت میداشته‌اند. طبیعی است اگر مکانیسم سالمی برگزیده به درستی اجرا شود که بجای سو بسیدهای مرسوم کنونی به خانواده‌های نیازمند کمک نقدی بشود بهتر خواهد بود. منتهی این کمک نقدی نیز نباید سبب پرورش بیکاری شود. امروز کشورهای مترقی که در این امر سابقه دارند کمکهای خود را بصورت درصدی از آنچه خود افراد نیازمند تحصیل میکنند در آورده‌اند تا آنها را به کار و فعالیت تشویق کنند (مثل انگلستان) و پاره‌ای از کشورها مثل سوئد این هزینه‌ها را بشرط اشتغال دریافت کنندگان، به امر تحصیل میپردازند تا هم برای معلمین کار فراهم شود و هم سطح فکر و تخصص جامعه بالا برود.

در هر حال به این نکته از گزارش رئیس‌جمهور به مجلس شورای اسلامی باید توجه بیشتری معطوف کرد که: "هیچ رشد و توسعه‌ای بدون تحمل رنج و مشقات دوران شتاب برای توسعه، فراهم نخواهد شد" با اینهمه رئیس‌جمهور به نکاتی که در فوق اشاره کردیم نیز توجه داشته و بدنبال مطالب مذکور می‌افزاید: "بیان این نکته به معنای نادیده گرفتن اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ناشی از اجرای برنامه‌های توسعه و تسلیم بدون قید و شرط در مقابل آنها نبوده، بلکه منظور تبیین واقعیهایی است که مسلماً در فرایند این مسیر با آنها مواجه خواهیم شد و دولت مانند سالهای قبل هم خود را مصروف کاهش آثار این امر بویژه براقشار

در برنامه دوم، از جمله نکات بسیار جالب برنامه‌های عمرانی است خاصه اینکه این کمکها با هدف محرومیت زدائی و قادر به کار کردن نیروهای مناطق فعلاً "محروم صورت میگیرد. ما نمیتوانیم شادی خود را از این نکته پنهان کنیم که در برنامه اول تعدادی از مناطق محروم از ردیف محرومیت خارج شده‌اند. البته محرومیت هم امر نسبی است. وقتی آدم در شهردیترویت، مرکز صنایع اتومبیل سازی آمریکا مردمی را می‌بیند که با کادیلاک خود به کنار سطلهای زباله می‌آیند تا از پس مانده غذای ریخته شده در سطل زباله ارتزاق کنند نمیتواند آنها را فقیر نداند، اگر چه صاحب کادیلاک هم باشند و احياناً "کمک معیشتی هم از دولت دریافت دارند. در سیاستهای محرومیت زدائی و اشتغال و کمک به نیازمندان یک ضرب المثل چینی را فراموش نکنیم. این ضرب المثل میگوید: "اگر به کسی یک ماهی بدهی غذای یکروز او را تأمین کرده‌ای اما اگر به او صیادی یاد بدهی غذای تمام عمرش را تأمین کرده‌ای". کمک کنیم تا مردم روی پای خودشان بایستند زیرا که "پای چوبین سخت بی تمکین بود".

بعداً ذکر این نکته، یادآوری این نکته بی‌مناسبت نخواهد بود که رئیس‌جمهوری نگاهي بسیار جالب واقع‌گرایانه به سؤال آینده جمعیت و اشتغال در سالهای آینده انداخت. این چند سطر را عیناً "از سخنان رئیس‌جمهوری نقل میکنیم:

"اگر چه در نتیجه اقداماتی که در طول برنامه اول انجام شد از نرخ رشد جمعیت کشور به نحو چشمگیری کاسته شده است، لیکن

درباره روی جلد

## افتتاح خط کشتیرانی مسافری خرمشهر - کویت

روز دوشنبه ششم دیماه سال جاری که مصادف با ولادت باسعادت مولای موحدان و امام اول شیعیان جهان بسود، بندر بازرسازی شده و پاک سازی شده خرمشهر شاهد پکی از باشکوهترین و شورا نگیزترین رویدادهای حیات خود، پس از جنگ تحمیلی بود. در این روز کشتی مسافری "نگین خلیج فارس" که یک کشتی مسافری تندرو با ظرفیت ۲۵۰ نفر مسافر و ۱۸۷۵۰ کیلوگرم بار (برای هر مسافر ۷۵ کیلوگرم) میباشد، نخستین سفر خود را بعنوان یک خط منظم مسافری بین خرمشهر و کویت آغاز کرد. این کشتی فاصله بین خرمشهر و کویت را در چهار ساعت طی میکند و سرعت آن ۳۰ گره دریایی در ساعت است. کشتی مذکور ساخت کشور استرالیاست و از شروع ساخت تا تحویل آن در بندر عباس درست یکسال طول کشیده است. بندر شیت کشتی، بندر عباس است. در مراسم افتتاح خط مذکور آیت الله ابوالحسن توری نماینده ولی فقیه و امام جمعه خرمشهر، آقای یحیی آل اسحق وزیر بازرگانی و رئیس هیأت مدیره شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، آقای ترکان وزیر راه و ترابری و جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و گروهی از شخصیت‌های کشوری و مقامات کشتیرانی و بندری حضور داشتند.

دورنمای جمعیت در آینده نیاز به پیگیری و انجام اقدامات تنظیم رشد جمعیت را اجتناب ناپذیر میکند. در طول سالهای برنامه دوم جمعیت کشور بطور متوسط سالانه ۲/۳ درصد افزایش خواهد یافت و از ۶۰ میلیون نفر در سال ۷۲ به ۶۷/۳ میلیون نفر در سال ۷۷ بالغ میگردد. بنابراین در طول این برنامه ۷/۳ میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده خواهد شد. طی سالهای ۷۲ تا ۷۷ بتدریج افراد متولد شده در دوران رشد سریع جمعیت به دوران باروری رسیده و تعداد زنان در سن باروری از ۱۳/۶ میلیون نفر به ۱۶/۱ میلیون نفر خواهند رسید. . . . این افراد به خدمات تعلیم و تربیت نیاز خواهند داشت و متقاضی کار خواهند بود.

می بینید که مسائل جامعه بی‌وقفه در حال تغییر و دگرگونی است و اگر امروز فکری اساسی برای فردا نشود، فردا بکلی دیر خواهد بود. در طول برنامه دوم نیروی فعال کشور از ۳۲/۳ میلیون نفر به ۳۸/۶ میلیون نفر افزایش میابد. یعنی در فرض اینکه فعلاً "اشتغال کامل داشته باشیم، (که چنین نیست و عملاً ۱۲/۵ درصد از نیروی فعال کنونی بیکار هستند) باز هم به ۶/۳ میلیون شغل جدید احتیاج خواهیم داشت. آیا برنامه دوم میتواند چنین حجم انبوه اشتغال را فراهم کند؟

دنباله این بحث را در شماره آینده مطالعه خواهید فرمود.